راه که بسته شود، بی راهه باز می شود

از کرمانشاه تا قصر شیرین 190 کیلومتر است؛چیزی حدود یک ساعت و نیم.از قصر شیرین تا خسروی هم یک ربع راه‏ است.در چند صد متری بیرون قصر شیرین یک ایستگاه‏ بازرسی مستقر است.که برای عبور از آن باید برگ تردد داشت. و یا نام کسی که می‏خواهد عبور کند در فهرستی که در دست‏ مأموران است درج شده باشد.

در ایستگاه بازرسی کسانی که برگ تردد نداشته باشند به‏ فرمانداری هدایت می‏شوند تا برگ تردد بگیرند.در محوطه‏ فرمانداری یک افسر نیروی انتظامی و یک سرباز نگهبانی‏ می‏دهند.افسر پلیس مراجعان را تا دفتر فرمانداری همراهی‏ به می‏کند.البته بسیار بعید است که از این طریق بتوان برگ‏ تردد گرفت.این کار باید از قبل و با ترتیبات خاصی صورت‏ پذیرد.بخصوص اگر قرار باشد از گمرک خسروی عبور کنید احتیاج به مجوز شورای امنیت ملی دارید و ابدا مهم نیست‏ که چه سمتی دارید.بارها مقامات بسیار بلند پایه با سابقه‏های‏ طولانی وزارت و وکالت نیز چون اسمشان در لیست نبوده‏ یا بد تایپ شده مجبور شده‏اند ساعت‏ها معطل بمانند تا اجازه‏ عبور آنها از شورای امنیت ملی تأئید شود.در واقع مرز نگاه کوتاهی به قصر شیرین و ایلام

راه که بسته شود بیراهه باز می‏شود

خسروی مرز بازرگانی نیست؛حتی اگر کامیون‏هایی از آن‏ عبور کنند و چند صد متر آن طرف‏تر بار خود را به کامیون‏های‏ عراقی بدهند و بازگردند.

قصر شیرین،شهر خلوت و کم جنب‏وجوشی است.اگر تصور می‏کنید با فروپاشی حکومت بعثی در عراق این شهر نیز شبیه آستارای بعد از فروپاشی اتحاد شوروی شده،سخت‏ در اشتباه هستید.با آن که سال‏ها از پایان جنگ می‏گذرد اما هنوز سایه آن بر شهر سنگینی می‏کند.

از صحبت‏های مدیر ترمینال مسافری شهر به خوبی می‏توان‏ دریافت که مرز خسروی از آن مرزهای معمولی نیست.

این روزها مسافر خارجی زیاد دارید؟

مسافر خارجی زیاد است،اما به ندرت از این راه می‏آیند. آنهایی که از این راه می‏آیند یا از کردهای عراق یا از طرفداران‏ آیت الله حکیم و آیت الله خویی و آیت الله سیستانی هستند. گاهی هم یکی دو تا خبرنگار خارجی از مرز خسروی وارد ایران می‏شوند تا به تهران بروند و با هواپیما به اروپا برگردند.

زائران ایرانی چی؟

خوب دولت تا وقتی وضع عراق روشن نشده،عبور زائران‏ را ممنوع کرده،اینجا هم که وضعیت به شدت کنترل شده است‏ و کمتر کسی برای عبور قاچاقی،این منطقه را انتخاب می‏کند. این جور مسائل بیشتر سمت ایلام و مهران اتفاق می‏افتد.خیلی‏ از زائر سراهای قصر شیرین کار خود را تعطیل کرده‏اند.

روزی چند کامیون عراقی از اینجا به عراق می‏روند؟

در واقع کامیونی از اینجا به عراق نمی‏رود.روزی چهل پنجاه‏ کامیون پشت سر هم در گمرک خسروی صف می‏کشند.از سالن ورودی می‏روند به سالن خروجی و آنجا اگر کامیون‏های عراقی رسیده باشند،ته به ته می‏شوند و بارشان را تحویل آنها می‏دهند.

یک بازرگان عراقی: هیچ نهاد یا سازمانی‏ مسؤول کنترل‏ و نظارت بر واردات عراق نیست. دست بازرگانان‏ کاملا باز است‏ همه چیز دست طالبانی‏ها و بارزانی‏هاست‏ البته طرفدارهای مجلس اعلا هم که سال‏ها در ایران‏ در کار طلا بودند الان در عراق بسیار فعال هستند

 به گفته فرمانده مرزبانی‏ نیروی انتظامی کشور تاکنون 40 هزار نفر هنگام عبور از مرز دستگیر شده‏اند

معمولا چه باری دارند؟

سیمان،نوشابه،مواد غذایی،و از اینجور چیزها؛سیمان را هم بیشتر از کارخانه‏های ایلام و کرمانشاه می‏آورند.

با آن که قصر شیرین شهری نیست که مسافران خارجی‏ زیادی از آن رفت‏وآمد کنند اما گاه و بی‏گاه می‏توان به برخی‏ عراقی‏ها که سال‏ها در ایران زندگی کرده‏اند برخورد.

یکی از این عراقی‏ها درباره تسلط خود به زبان فارسی می‏گوید:

خوب سال‏های زیادی در ایران زندگی کرده‏ام،تا صدام بود نمی‏توانستم به عراق برگردم.

در کار تجارت هستید؟

تجارت که نه،یک چیزهایی از ایران می‏برم و آنجا می‏فروشم.

مثلا چه چیزهایی به عراق می‏برید؟

بیشتر مواد خوراکی مثل:چیپس،پفک،نوشابه و اینجور چیزها.

خوب چرا از آن طرف چیزی نمی‏آورید؟

در حال حاضر بیشتر کارخانه‏ها تعطیل هستند.کالایی که‏ امروز در بازار عراق است بیشتر خارجی و وارداتی است.تازه‏ اگر بخواهم قانونی کالا بیاورم کلی تعرفه و عوارض باید بدهم.اما عراق هیچ تعرفه و عوارضی ندارد.آمریکایی‏ها همه‏ عوارض را برداشته‏اند.

پس واردات عراق توسط دستگاه خاصی کنترل‏ می‏شود؟

نه!هیچ نهاد یا سازمانی مسؤول کنترل و نظارت بر واردات‏ عراق نیست.دست بازرگانان کاملا باز است.همه چیز دست‏ طالبانی‏ها و بارزانی‏هاست.البته طرفداری‏های مجلس اعلا هم که‏ سال‏ها در ایران در کار طلا بودند الان در عراق بسیار فعال هستند.

این برای کار شما خوب است؟

از یک جنبه خوب است و از یک جنبه بد.خوب وقتی‏ تعرفه‏ای نباشد،از همه جای دنیا کالا به عراق سرازیر می‏شود و بازاری برای جنس‏هیا ایرانی نمی‏ماند.من معمولا از جای‏ دیگری به جز ایران خرید نمی‏کنم.چون هم ایران را دوست‏ دارم و هم اینجا خیلی راحت‏ترم.البته بیشتر مواد غذایی مردم‏ عراق از جاهایی مثل ترکیه،مصر،عربستان،آمریکا و از سازمان‏ ملل متحد تأمین می‏شود.از ایران بیشتر برای کردستان عراق‏ وسایل خانگی و مواد غذایی وارد می‏شود و بعد از آنجا به‏ شهرهای دیگر عراق می‏رود.الان بیشتر از هر چیزی سیمان‏ طرفدار دارد.

یکی از کارشناسان گمرک خسروی،که دوست ندارد نامش‏ فاش شود می‏گوید ما از عراق هیچ کالایی وارد نمی‏کنیم.فقط صادر می‏کنیم.ماه گذشته صادرات ما به عراق چنان زیاد بود که وزارت بازرگانی سهمیه صادراتی ما را افزایش داد.

چقدر صادرات داشتید؟

نزدیک به 4 میلیون دلار.

آیا به نظر شما صادرات ما به عراق در آینده افزایش‏ خواهد یافت؟

به نظر من اگر عراق زیر نفوذ و سلطه آمریکا به یک ثبات نسبی برسد،از میزان صادرات ما کاسته می‏شود.حتی شاید به واردات‏ ما از عراق چه به صورت قاچاق و چه به صورت رسمی افزوده‏ شود.آمریکایی‏ها فعلا هیچ کاری به کار تجار ایرانی و عراقی‏ ندارند.هیچ محدودیتی وجود ندارد و هیچ عوارضی هم از کسی‏ گرفته نمی‏شود.اما هیچ معلوم نیست که اوضاع برای همیشه‏ چنین باشد.چه بسا ناگهان مرزها را ببندند و مانع ورود هر نوع‏ کالایی از ایران شوند.به نظر من تاجران ایرانی باید خیلی زود بجنبند و جا پای خود را سفت کنند؛حالا با تنظیم قرارداد،برقراری‏ رابطه،برگزاری نمایشگاه،ایجاد بازارچه و کارهایی از این قبیل.

فکر می‏کنید قاچاق بیشتر شود؟

به نظر من وضعیت بسیار خطیر است.با این کاری که‏ آمریکایی‏ها کرده‏اند و هر نوع تعرفه‏ای را برداشته‏اند،معلوم‏ است که به زودی عراق پر می‏شود از کالاهای اروپایی و آمریکایی؛آن هم نه فقط به قصد مصرف در داخل عراق،بلکه‏ بیشتر به منظور قاچاق به جاهای دیگر و از جمله ایران.اگر حواسمان نباشد به زودی شاهد سیلی از کالاهای آمریکایی‏ قاچاق در بازارهای شهرهای مرزی و از آنجا هم در بازارهای‏ شهرهای مرکزی خواهیم بود.به عبارت دیگر مقدار معتنابهی‏ از بابت کالای قاچاق از کشور خارج می‏شود و صادرات ما به عراق هم از رونق می‏افتد.واقعا باید به فکر چاره بود.

مهران گذرگاه اصلی زائران

برخلاف قصر شیرین که بیشتر گذرگاهی برای عبور کالاهای‏ ایران به عراق است،مهران،شهر مرزی استان ایلام،به دلیل نزدیکی‏ و فاصله بسیار کم آن با استان‏های زیارتی عراق،گذرگاه شیفتگان‏ سفر به عتبات عالیات است؛شیفتگانی که گاه بر سر شیفتگی خود جان می‏دهند.تقاضا برای سفر به عتبات عالیات بسیار زیاد است‏ اما به دلایل امنیتی و به دلیل عدم وجود ترتیبات رسمی میان ایران‏ و عراق،هر گونه سفری به عراق ممنوع است.

فاصله ایلام تا مهران به همان اندازه فاصله قصر شیرین تا کرمانشاه است.در اینجا نیز در فواصل معین ایست‏های‏ بازرسی وجود دارد و هر رفت‏وآمدی مورد پرس‏وجو قرار می‏گیرد.شهر ایلام پر از زائران خسته و درمانده‏ای است که‏ در گوشه و کنار شهر انتظار فرجی در کارشان را می‏کشیدند.

با وجود همه سخت‏گیری‏ها و محدودیت‏های فراوان، بسیاری از مردم از شهرهای مختلف به هر وسیله‏ای خود را به‏ ایلام و مهران می‏رسانند تا راهی کربلا و نجف شوند.زائران‏ با پرداخت مبالغی از بیست سی هزار تومان گرفته تا پنجاه هزار تومان،اشخاصی را به عنوان راهنما استخدام می‏کنند تا آنها را شبانه و از راه‏های صعب العبور و بیابان‏های خشک و پر از میدان‏های مین به نزدیک‏ترین شهرهای عراق برسانند.

مهران پر از زائرانی است که یا هنگام خروج از مرز دستگیر شده‏اند و حالا برای پرداخت جریمه در مقابل دادسرا به انتظار ایستاده‏اند و یا در نزدیکی‏های فرمانداری راهی برای دریافت‏ برگه تردد می‏جویند.طلبه جوانی که از فرط خستگی پای‏ چشمش گود رفته،در حالی که اشک در چشمانش حلقه‏ زده،با صدای بغض‏آلود می‏گوید:ما زوار امام حسین(ع) هستیم.شور دیدار آقا را داریم و هر خطری را هم به جان و دل‏ می‏خریم.چرا اینها ما را اذیت می‏کنند.

اهل کجایید؟

تهران

چطوری تا اینجا آمدید؟

از تهران تا کرمانشاه که خیلی ساده است و هیچ مانعی سر راه مسافران و زائران نیست.اما همین که آدم وارد ایلام می‏شود انگار وارد شهر ممنوعه شده.بین راه ده پانزده ایستگاه بازرسی‏ وجود دارد که مأمورانش خیلی سخت می‏گیرند.البته اگر آدم ایلامی باشد کاری به کار آدم ندارند.

مشکل اصلی از کجا شروع می‏شود؟

مشکل اصلی همین فاصله ایلام تا مهران است.متأسفانه‏ بعضی‏ها هم از این وضع سوء استفاده می‏کنند.مثلا برخی‏ راننده‏ها به محض این که می‏فهمند آدم بومی نیست، ده تا پانزده هزار تومان برای مسیر ایلام به مهران می‏گیرند؛در حالی که کرایه معمول آن هزار تومان است.این راننده‏ها قبل‏ از رسیدن به ایست بازرسی،زائران را مجبور می‏کنند که از ماشین پیاده شوند و پیاده از روی کوه‏ها پاسگاه را دور بزنند و چند کیلومتر آن طرف‏تر دوباره همان تاکسی را که خالی از مقابل پاسگاه گذشته،سوار شوند.

خود پاسگاه‏ها از این موضوع خبر ندارند؟

خبر هم داشته باشند که نمی‏توانند روی کوه و بیابان پاسگاه‏ بزنند.اصلا آدمیزاد اگر بخواهد کاری بکند هیچکس‏ جلودارش نیست.

فاصله ایلام تا مهران را چند ساعته طی می‏کنید؟

بعضی‏ها همه این مسیر را پای پیاده و زیر گرمای 40 درجه، چهارده پانزده ساعته طی می‏کنند.

بعد از رسیدن به مهران چه می‏کنید؟

دنبال«بلد»می‏گردیم.اینها کسانی هستند که با گرفتن‏ سی چهل هزار تومان،زائران را قاچاقی از مرز عبور می‏دهند؛ البته تا ابتدای جاده آسفالته آن طرف.

چقدر طول می‏کشد که به آن طرف برسید؟

معمولا مسیری که«بلدها»می‏برند،طولانی‏تر از مسیر اصلی‏ است و در نتیجه گاه پیش می‏آید که هفده هیجده ساعت باید پیاده‏روی کنیم.البته بین راه نیروهای ارتشی کمین می‏زنند. این کمین‏ها تا نیم ساعت مانده به خاک عراق هم اتفاق می‏افتد. گاهی موفق می‏شوند و زائران را دستگیر می‏کنند و به دادسرا تحویل می‏دهند.می‏گویند در عراق امنیت نیست.اما واقعا این‏ طور نیست.به مرز که می‏رسیم عراقی‏ها استقبال گرمی‏ می‏کنند.اما سربازان خودمان با ما بدرفتاری می‏کنند.

فکر نمی‏کنید وظیفه‏شان را انجام می‏دهند؟

بروید داخل دادسراها ببینید با زائران درست مثل قاچاقچی‏ها برخورد می‏کنند.روزی نیست که با آنها بی‏احترامی و یا حتی‏ برخورد ناشایست نشود.بی‏احترامی،انجام وظیفه است؟ خیلی‏ها با کارت سبز از مرز عبور می‏کنند.اگر خروج ممنوع‏ است،پس چرا بعضی‏ها می‏توانند خارج شوند.

آیا این گونه رفتارها را به فرمانداری گزارش کرده‏اید؟

آنها اصلا به کار زوار رسیدگی نمی‏کنند.فقط می‏گویند برگردید سر کار و زندگی‏تان؛اینجا چکار می‏کنید.

آیا آن طرف مرز خطری زائران را تهدید نمی‏کند؟

واقعیت این است که از صد درصد خطری که زوار عتبات‏ عالیات را تهدید می‏کند نودونه درصد آن در همین ایران و گذشتن از مرز است.در عراق اصلا خطری احساس نمی‏شود.

حتما شنیده‏اید که خیلی‏ها در این راه کشته و زخمی شده‏اند؟

خیلی از این«بلدها»کلاهبردارند.یعنی«نابلدند».زائران‏ را می‏برند وسط بیابان رها می‏کنند.بعضی‏ها در میدان مین به‏ دام می‏افتند.خیلی‏ها روی مین می‏روند و کشته می‏شوند. شنیده‏ام که گاهی همین بلدهای نابلد با راهزن‏ها تبانی کرده‏اند و داروندار زائران را به سرقت برده‏اند.خوب،وقتی راه بسته‏ می‏شود،بیراهه باز می‏شود.

وضع امکانات مهران برای پذیرایی از زائران چگونه است؟

صفر صفر.اینجا هیچ امکاناتی برای زائران نیست.اصلا هیچ‏ جایی برای خواب نداریم.مجبوریم شب تا صبح کنار خیابان‏ و در پارک بیدار بمانیم.

طلبه جوان بعد از آن که حسابی عقده دل خالی می‏کند،راهی‏ دادسرا می‏شود.باید به آنجا برود و ده هزار تومان جریمه بپردازد. این سومین باری است که تا لب مرز و حتی تا لب جاده آسفالته‏ رفته اما پیش از آن که ماشین‏های عراقی برسند،سربازان ارتش‏ سر رسیده‏اند و دستگیرش کرده‏اند.او نیز در واقع یکی از آن‏ 40 هزار نفری است که تاکنون به گفته فرمانده مرزبانی نیروی‏ انتظامی کشور هنگام عبور از مرز دستگیر شده‏اند.

هنگام خداحافظی می‏گوید:شاید این بار از مسیر دیگری غیر از مهران اقدام کنم؛مثلا از شلمچه یا چذابه.بالاخره موفق‏ می‏شوم؛به دلم برات شده.

به طور متوسط روزانه از مرز شلمچه 110 تا 120 نفر و از مرز چذابه 10 نفر به سوی عراق می‏روند.